فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۳، شماره ۱۷ ، تابستان سال ۱۴۰۱

بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر

نرجس مغدانی[۱]، انسیه ماهینی*[۲]، صغری اسماعیلی[۳]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود. روش این پژوهش، توصیفی از نوع مقایسه ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر ۱۸۴۷ نفر از دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود که از طریق نمونه گیری خوشه ای تعداد ۳۱۸ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) بود. بود. تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش با استفاده از آزمون t گروه های مستقل انجام گرفت. یافته ها نشان داد که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی های پسر است یا به عبارت دیگر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی داری بیشتر از دانش آموزان پسر است. نتیجه گیری کلی پژوهش نشان داد که با تقویت تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان می توان به افزایش حوزه های معرفتی و دینی آنان در مدارس کمک فراوانی نمود.

کلید واژه‌ها: تربیت اخلاقی، دانش آموزان.

۱ - کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران nrsmoghdani@gmail.com
۲ - استادیار گروه معارف اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول) nc1388@hotmail.com
۳ - کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]

مقدمه

دوره متوسطه دارای طیف وسیعی است که دوران نوجوانی را در بر می‌گیرد و در انتهای طیف به دنیای جوانی می‌رسد. در دوره متوسطه، قسمت اعظم استعدادهای اختصاصی نوجوان و جوان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلاء خود می‌رسد، کنجکاوی آنان جهت معینی می‌یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند؛ از این‌رو این دوره در نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان اهمیت زیادی دارد. از طرفی تربیت اخلاقی یکی از مهم ترین ساحت های فرایند تربیت، و مقدم بر سایر ساحت ها، بلکه زیربنای آنهاست. این جایگاه ویژه از آن جهت است که تربیت اخلاقی دربرگیرنده همه ابعاد و ساحت های شخصیت انسان، و نیز دربرگیرنده همه مراحل رشد انسان از کودکی تا سالمندی است و در هیچ دوره ای از زندگی انسان متوقف نمی شود؛ یعنی، نمی توان گفت این فرد به مرحله ای از رشد و بلوغ رسیده است که دیگر به تربیت اخلاقی احتیاج ندارد. تربیت اخلاقی برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. دانشمندان مسلمان با توجه به جامعیت مکتب تربیتی اسلام آنرا «فرایند و بستری که در آن انسان توانایی می یابد از روی اختیار، ملکات و صفاتی را بپذیرد و در کنار ساختار خلقی خویش، از سرنوشت و طبعی دیگر برخوردار شود» تعریف نموده اند (فخرهاشمیان، ۱۳۹۵). در واقع تربیت اخلاقی تعیین کننده سطح رشد و کمال آدمی در عرصه روابطش با خدا، جامعه و طبیعت است. به عبارت دیگر، می توان گفت تربیت اخلاقی، به نوعی در انسان اعتدال ایجاد می کند، و این اعتدال موجب می شود که ساحت های دیگر تربیت انسان هم به تناسب رشد کنند و پرورش یابند (شاهسنی، ۱۳۹۶). فرایند اخلاق با رفتار آگاهانه ای که از سر علم و عمد و انتخاب و گزینش انجام می پذیرد و صبغه ارزشی دارد و نیز با ملکات و صفات پایداری که تکرار آن رفتار ویژه موجب پیدایش آنها شده سر و کار دارد (کاظمی، ۱۴۰۰). درهم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب شد که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابهٔ تربیت یافتگی انگاشته شود. در تربیت اخلاقی، رویکرد اصلی متوجه پرورش استعداهای اخلاقی و رسیدن به کمالات اخلاقی است؛ در حالی که در تربیت علمی، هدف، شکوفایی استعدادهای علمی و کسب مراتب بالای علمی است، از همین رو،

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]

نگرش به انسان، عمدتا ابزاری و آلی است. اما امروزه ، جدا انگاری فرایند اخلاق و تربیت تردید ناپذیر است (شاهسنی، ۱۳۹۶). نقیب‌زاده (۱۳۸۶) معتقد است که تربیت در کاربرد گسترده‌اش، پروردن و بارآوردن را در بر می‌گیرد و چه بسا درباره‌ی انسان و سایر جانداران و جانوران به کار گرفته می‌شود، ولی بهتر است که آن را تنها در معنای دقیقی که نشان‌دهنده‌ی تحول انسانی است به کار بریم.

همچنین با بررسی پژوهش ها در داخل و خارج در راستای موضوع مشخص شد که نتایج خوبی از تاثیرات تربیت احلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر وجود دارد از جمله اینکه بیرونی (کاشانی، ۱۳۹۷) در پژوهشی به شناسایی مؤلفه های تربیت اخلاقی دانش آموزان است که با تناظر میان نظریه های تربیت منش و رویکرد تربیت اسلامی پرداخت. نتایج نشان داد که در نظریه های تربیت منش، تأکید بر پرورش شخصیت است؛ اما مسئله تربیت دائر بر «دیگرسازی» است. در مقایسه با آن روشن شد مفهوم تربیت اسلامی ۱. به معنای «ربوبی شدن» است، ۲. ناظر به«تحول درون» و «خودسازی» و امری «قائم به خود» است ۳. نیاز به «بلوغ عقلانی» دارد و دوران قبل از رسش عقلانی «تمهید» است که با هدف پرورش «شاکله دانش آموزان» و آماده کردن آن ها برای دعوت «ربوبی» مورد توجه قرار گرفته است. ۴. زیر بنای عمل معلم در فرایند تربیت اخلاقی دو امکان تربیتی «فطرت اخلاقی» و«هویت اجتماعی» (اجتماع اخوت محور) است. در پایان چنین نتیجه گیری شد توجه به تحقق و شکوفایی این مؤلفه های تربیت اخلاقی بر اساس دو مبنای «فطرت اخلاقی» و «هویت اجتماعی» در قلمرو وظایف معلم است که می تواند از طریق روش هایی که در تدریس و فعالیتهای آموزشی و تربیتی خود دنبال می کند به آن دست یابد. آدمی از ضعف خویش در مقابل خواسته ها و تمایلات ، احساس ناخرسندی می نماید. از این رو از ضعف عقل گریزان بوده و تمایل به حاکمیت عقل بر حیات خویش دارد. و اخلاق نیز از عقل ناشی می شود (قائمی، ۱۳۹۰). عالمان اخلاق فعل اخلاقی را در برابر فعل طبیعی قرار داده اند و گفته اند فعل اخلاقی از حدود کارهای طبیعی و عادی خارج است و با آنها تفاوت دارد و کار تربیتی و فرایند تربیت علاوه بر فعل اخلاقی ، فعل طبیعی و رفتار عادی را نیز زیر پوشش دارد. مقصود از فعل طبیعی آن احساس گرسنگی و خواب و استراحت را در پی خستگی و نیز فعالیت های روزمره زندگی ، پیداست در این کارها آدمی با حیوان مشترک است و کارها و نیز اندیشه ها و صفات و میل های مربوطه به این منظور جلب نفع مادی و دفع زیان مادی انجام می گیرند. به عبارت دیگر ریشه این گونه افعال سودجویی مادی است و فرایند تربیت تمامی این رفتارهای عادی و طبیعی و نیز رفتار اخلاقی و صفات اندیشه های مربوط به آن مختص عالم انسانی و قابل ستایش و ستایش و نکوهش و ریشهٔ آن فضیلت جویی فطری است (رفیعی، ۱۳۹۷). حیدری (۱۳۹۵) در پژوهشی به مقایسه رشد استدلال اخلاقی، مهارت های اجتماعی و هویت دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی متوسطه پرداخت. نتایج

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]

نشان داد که بین رشد استدلال اخلاقی، مهارت های اجتماعی و هویت دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی تفاوت معناداری وجود دارد. مسن آبادی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی مقایسه بین نظام ارزشی دانش آموزان با میزان استفاده از آنها از فضای مجازی در دانش آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان شهر تهران پرداخت. نتایج نشان داد که بین ابعاد نظام ارزشی اجتماعی، اقتصادی، نظری و هنری از نظام ارزشی دانش آموزان تفاوت وجود دارد. پورمحدث (۱۳۹۳) در پژوهشی به مقایسه هوش معنوی و تحول اخلاقی در دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی پرداخت. نتایج نشان داد که میزان هوش معنوی در دو گروه از دانش آموزان تیزهوش و عادی متفاوت نیست. همچنین مشخص شد که تحول اخلاقی در دو گروه تیزهوش و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. زادنبه (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی مقایسه صلاحیت و تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر ایرانی پرداخت. نتایج حاکی از تفاوت معنادار بین شایستگی اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر بود. کریم زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی مقایسه ای رابطه شاخصه های تربیت اخلاقی (داوری اخلاقی و رفتار اخلاقی) با مولفه های ادراک خود در نوجوانان عادی و دارای مشکل رفتاری پرداخت. نتایج نشان داد که میان آزمودنی های دو گروه از نظر میزان استفاده از طرحواره های ادراک خود به گونه موضوع تفاوت معناداری وجود دارد.

در بحث اهمیت و ضرورت پژوهش می بایست بیان نمود که تعلیم و تربیت، عرصه ها و وجوه گوناگونی دارد که یکی از مهمترین آنها حوزه ی تربیت اخلاقی است. هیچ جامعه ای نمی تواند مستقل از ملاحظات اخلاقی به سامان بخشی امور اجتماعی و فرهنگی خود اقدام نماید؛ چرا که مسئله تربیت اخلاقی مقوله ایی است که تمامی مناسبات اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رفتاری را متأثر می سازند. البته آنچه که در امر اخلاق و ارزشها مهم است، علاوه بر تأکید بر ضرورت توجه به امور اخلاقی و ارزش ها، توجه به روش ها و رویکردهای درست آموزش تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان است. لازم به ذکر است با استفاده بهینه و بابرنامه از نقاط مثبت تربیت اخلاقی می توان به افزایش حوزه تحصیلی و زندگی دانش آموزان کمک فراوانی نمود. بنابر آنچه بالا گفته شد سؤال اصلی در این تحقیق به این صورت مطرح است که آیا بین تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر تفاوت معنی داری وجود دارد؟

روش پژوهش

نوع این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری داده ها، توصیفی– مقایسه ای بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل ۱۸۴۷ نفر دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ می باشد. در این تحقیق با استفاده از فرمول برآورد حجم

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]

نمونه کوکران با حجم جامعه آماری ۱۸۴۷ نفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد با احتمال خطای ۵ درصد، حجم نمونه برابر ۳۱۸ نفر محاسبه شد. برای انتخاب نمونه، روش‌های مختلفی وجود دارد، که در این تحقیق با توجه به وسعت و پراکندگی جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا از بین ۲۷ مدرسه مقطع متوسطه اول شهرستان دیر تعداد ۶ مدرسه دخترانه و پسرانه به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر مدرسه و از پایه های مختلف هفتم، هشتم و نهم به صورت تصادفی و تقریبی ۵۳ نفر انتخاب و پس از توضیحات کامل پرسشنامه ها توسط آنها پاسخ داده شد. تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری و آزمون t گروه های مستقل انجام گرفت.

پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰): پرسشنامه تربیت اخلاقی مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) شامل ۲۲ سوال از طیف ۵ درجه ای لیکرت (کاملاً مخالفم ۱، مخالفم ۲، بی نظرم۳، موافق ۴ و کاملاً موافقم ۵) می باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۲۲ تا ۶۳ باشد، میزان گرایش به تربیت اخلاقی در این جامعه ضعیف می باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۶۴ تا ۹۰ باشد، میزان گرایش به تربیت اخلاقی در سطح متوسطی می باشد. در صورتی که نمرات بالای ۹۰ باشد، میزان تربیت اخلاقی بسیار خوب می باشد. مصدقی نیک و کوشی (۱۴۰۰) روایی پرسشنامه را در تحقیق خود به کمک تحلیل عاملی ۰/۸۵ گزارش نمودند.همچنین پایایی پرسشنامه را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش نمودند.

یافته ها

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۱ به بحث و بررسی پیرامون نرمال بودن داده ها و در ادامه در جدول ۲ به تحلیل فرضیه های پژوهش پرداخته شد.

جدول ۱ نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنف برای فرض توزیع نرمال

متغیرها	گروه	آماره	سطح معناداری
تربیت اخلاقی	پسر	۰/۰۵۱	۰/۱۱۲
	دختر	۰/۰۴۲	۰/۲

نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنف در جدول ۱ نشان می دهد که سطح معناداری برای متغیرهای این تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین آماره کولموگروف- اسمیرنف در خصوص متغیرها در سطح ۰/۰۵ خطا معنی دار نبوده و بر این اساس توزیع متغیرها نرمال می باشد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]

جدول ۲ مقایسه میانگین تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون لوین		مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
				F	سطح معنی داری			
پسر	۱۵۹	۸۶/۳۶	۲۴/۴	۱/۸۴	۰/۱۷۶	۴/۷۶	۳۱۸	۰/۰۰۰۱
دختر	۱۵۹	۸۷/۷۱	۲۲/۹۳					

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می گردد با توجه به نتایج آزمون لوین مشخص است که سطح معناداری بالاتر از مقدار ۰/۰۵ است. بنابراین واریانس گروه های مستقل دانش آموزان دختر و پسر با هم برابر هستند. بنابراین با پیش فرض برابری واریانس ها، اختلاف مشاهده شده بین میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر بر اساس نتایج آزمون t گروه های مستقل در سطح (P<۰/۰۰۰۱) معنی دار است زیرا سطح معناداری بدست آمده از ۰/۰۵ کمتر است. با توجه به میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر می توان گفت که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی های پسر است یا به عبارت دیگر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی داری بیشتر از دانش آموزان پسر است.

نتیجه گیری

مطالعه حاضر به دنبال بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی در بین دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه اول مدارس شهرستان دیر بود. نتایج نشان داد که به منظور پاسخگویی به این فرضیه از آزمون t گروه های مستقل استفاده شد که نتایج نشان داد که با توجه به میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر می توان گفت که میانگین نمره تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بیشتر از آزمودنی های پسر است یا به عبارت دیگر تربیت اخلاقی دانش آموزان دختر بطور معنی داری بیشتر از دانش آموزان پسر است. مشابه با این یافته ها در تحقیقات بیرونی کاشانی (۱۳۹۷)، حیدری (۱۳۹۵)، پورمحدث (۱۳۹۳)، کریم زاده (۱۳۸۷)، ثورنبرگ (۲۰۱۶) و زادنبه (۲۰۱۱) به دست آمده است. بررسی و تبیین فرضیه فوق نشان می دهد که به طور کلی هیچ دلیل مستندی مبنی بر تفاوت ما بین تربیت اخلاقی دختران و پسران در اسلام

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]

مشاهده نگردید و از نظر عقلی نیز نمی توان به این تفکیک قائل گردید، زیرا کلیه تربیت اخلاقی ریشه در روح و جان افراد داشته و یک صفت وابسته به روح است و نمی تواند مربوط به جنسیت باشد. اصول و فضایل اساسی اخلاق، اصول و فضایلی عام و مشترک اند که درباره انسان از آن جهت که انسان است و نه از آن جهت که دختر یا پسر است، به کار می روند. اصولی، مانند حسن راست گویی، وفای به عهد، احترام به همنوع، رعایت و احترام قوانین و مقررات، فضایلی، مانند شجاعت، سخاوت، سخت کوشی، پاکدامنی، مهربانی، وفاداری، امانت داری و... اصول و فضایلی هستند برای همه افراد، و اختصاصی به دختر یا پسر ندارند، گرچه با توجه به خصوصیات هر یک از دختر و پسر، برخی از فضایل از پسر شایسته تر و برخی بر دختر زیبنده تر است، اما نمی توان گفت فضایل و رذایل به دو دسته دخترانه و پسرانه تقسیم می شوند یا فضایل پسرانه ، رجحان دارد یا برعکس. ولی در بعضی موارد و تحقیقات معمولاً دختران و پسران به دلیل اینکه خصوصیات درونی‌شان با هم متفاوت است در جامعه نیز از نظر اجتماعی و رفتاری در شرایط خاصی نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند؛ از نوع بازی و ارتباط با همسالان گرفته تا نوع روابطشان با والد همجنس و تربیت اخلاقی، که در این پژوهش هم در حوزه تربیت اخلاقی دانش آموزان پسر به خاطر شرایط خانوادگی، فرهنگی، محیطی و مذهبی و ... تا حدی کمتر از آزمودنی های دختر است و این تفاوت خیلی نامحسوس هست.

از این رو پیشنهاد می شود با ایجاد الگوهای تعامل بین معلمان و دانش آموزان با توجه به اقتضائات جنسیتی و شخصیتی به افزایش تربیت اخلاقی آنان کمک شود. همچنین برای افزایش تربیت اخلاقی جلسات آموزشی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و مهارت‌های تربیتی به دانش آموزان آموزش داده شود.

منابع

- بیرونی کاشانی، راضیه، (۱۳۹۷)، شناسایی مؤلفه های تربیت اخلاقی دانش آموزان است که با تناظر میان نظریه های تربیت منش و رویکرد تربیت اسلامی، فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۶، شماره ۱۱.

- پورمحدث، گلریز، (۱۳۹۳)، مقایسه هوش معنوی و تحول اخلاقی در دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی، دانشگاه آزاد اسلامی، کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- حیدری، مهدی.، کرامتی، هادی.، حسنی، جعفر، (۱۳۹۵)، مقایسه رشد استدلال اخلاقی، مهارت های اجتماعی و هویت دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی متوسطه، کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران.

- رفیعی، بهروز، (۱۳۹۷)، تربیت اخلاقی در اسلام، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نشریه آموزش در علوم انتظامی، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱۸۱ تا ص ۲۰۳.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]

- شاهسنی، شهرزاد.، شمشیری، بابک.، مرادخواه، وحید.، راسخ، معصومه، (۱۳۹۶)، اهمیت تربیت اخلاقی در دانش آموزان و شیوه های آن، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و مشاوره، اصفهان.
- فخرهاشمیان، فیروزه، (۱۳۹۵)، بررسی کسب فضائل اخلاقی بر دانشجویان دانشگاه امام رضا و نقش آن بر بهداشت روانی و عملکرد رفتاری آنان، سایت جامع مدیر یار.
- قائمی، علی، (۱۳۹۰)، زمینه‌ی تربیت، تهران: نشر امیری.
- کریم زاده، صادق، (۱۳۸۷)، بررسی مقایسه ای رابطه شاخصه های تربیت اخلاقی (داوری اخلاقی و رفتار اخلاقی) با مولفه های ادراک خود در نوجوانان عادی و دارای مشکل رفتاری، دوفصلنامه تربیت اسلامی، دوره، ۳، شماره، ۶.
- کاظمی، حمیدرضا، (۱۴۰۰)، برنامه درسی و تربیت اخلاقی، انتشارات قم: مؤسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی (ره).
- نقیب‌زاده، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، نگاهی به فلسفه‌ی آموزش و پرورش، تهران: نشر طهوری.

- Thornberg, R., & Oğuz, E. (2016). Moral and citizenship educational goals in values education: A cross-cultural study of Swedish and Turkish student teachers' preferences. Teaching and Teacher Education, 55, 110-121.
- Zadanbeh, M. K., & Zakerian, M. (2011). A comparison of moral competence between Iranian male and female elementary students. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 30, 48-52.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۳، شماره ۱۷ ، تابستان سال ۱۴۰۱

A comparative study of moral education among male and female students of the first secondary school in dayyer city

Abstract

The purpose of this study was to compare moral education among male and female students of the first secondary school in dayyer city. The method of this research was descriptive and comparative. The statistical population of the present study was 1847 male and female students of the first secondary school in dayyer city, who were selected through cluster sampling of 318 using Cochran's formula. The tool of data collection in this research was the Moral Education Questionnaire of Mosadeghi Nik and Koshi (1400). Was. Analysis of the research hypotheses was done using the t-test of independent groups. The findings showed that the average moral education score of female students is higher than that of male subjects, or in other words, the moral education of female students is significantly higher than that of male students. The general conclusion of the research showed that by strengthening moral education among students, it is possible to greatly help to increase their cognitive and religious areas in schools.

Keywords: moral education, students.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-30]